



مقدمه

فصل ۱ واژگان

۲	درس ۱
۱۲	درس ۲
۲۲	درس ۳
۳۲	درس ۴
۴۰	درس ۵
۴۸	درس ۶
۵۸	آزمون

فصل ۲ گرامر

۶۴	درس ۱
۶۸	درس ۲
۷۴	درس ۳
۷۷	درس ۴
۸۰	درس ۵
۸۴	درس ۶
۸۸	آزمون

راهنمای کاربرد مجموعه کتاب‌های پله‌ی اول

ساختار این کتاب‌ها بر پایه‌ی الگوی پلکانی فراگیری درس زبان انگلیسی شکل گرفته است؛ به گونه‌ای که شما با مطالعه‌ی هدفمند این کتاب می‌توانید پله‌های فراگیری را یکی یکی ببینید. واضح است که جایگاه نهایی شما بستگی به دو عامل پایه‌ی علمی اولیه و زمانی که صرف می‌کنید خواهد داشت. در این جا قصد داریم روش پیمودن پلکان‌های این کتاب را برایتان بازگو کنیم:

این کتاب که مروری فشرده (در حد نیاز کنکور) بر واژگان و گرامر کتاب سوم دبیرستان است شامل دو بخش است:

بخش ۱: واژگان (Vocabulary)

بخش ۲: گرامر (Grammar)

آشنایی با بخش ۱ (واژگان)

بخش واژگان خود دو پلکان دارد، اولی پلکان آموزش و دومی پلکان آزمون. پلکان آموزش بخش واژگان خود از ۶ قسمت که هر قسمت واژگان یکی از ۶ درس کتاب سوم را در برمی‌گیرد تشکیل شده است. هریک از این قسمت‌ها شامل سه زیربخش است:

۱ - جدول واژه‌ها

۲ - تمرین‌های Fill in the blanks

۳ - تست‌های آموزشی

راهنمای مطالعه‌ی بخش واژگان

پله‌ی یکم: واژه‌ها را از روی کتاب درسی خود مرور کنید.

پله‌ی دوم: به سراغ جدول واژه‌ها بروید تا ببینید به معنی کدام کلمات تسلط دارید و در مورد کدام یک یا شک دارید و یا معنی آن‌ها را نمی‌دانید. در کنار لغاتی که معنی آن‌ها را نمی‌دانید یا مطمئن نیستید علامت بگذارید.

پله‌ی سوم: تمرین‌های «fill in the blanks» را جعبه به جعبه (box by box) انجام دهید.

پله‌ی چهارم: پاسخ هر تمرین را با دقت بخوانید. معنی واژه‌ی اصلی به صورت پررنگ (bold) در متن ترجمه خودنمایی می‌کند. علاوه بر این در ترجمه‌ی جمله‌ها، معادل انگلیسی واژه‌هایی که شاید معنی آن‌ها را ندانید در داخل پرانتز آورده‌ایم تا کلمات را در بافت جمله بیاموزید.

پله‌ی پنجم: پس از آن که همه تمرین‌ها را انجام دادید چند ساعتی درس زبان را رها کنید.

پله‌ی ششم: حال دوباره به سراغ جدول واژه‌ها بروید تا ببینید که آیا کلماتی را که قبلاً نمی‌دانسته‌اید حال یادگرفته‌اید یا نه. اگر معنی کلمه را هنوز هم یادنگرفته‌اید به سؤالی که شماره‌ی آن نوشته شده است مراجعه کنید و سعی کنید مفهوم واژه را دوباره در داخل جمله یاد بگیرید.

پله‌ی هفتم: دوباره چند ساعتی درس زبان را رها کنید.

پله‌ی هشتم: و حتی مطمئن شوید مفهوم همه واژه‌ها را می‌دانید، تست‌های آموزشی پایان هر قسمت را بزنید.

پله‌ی نهم: پس از طی کردن پلکان آموزش وارد پلکان آزمون می‌شوید. این آزمون که از کل واژگان کتاب سوم است، زمان‌دار بوده و باید آن را حتماً در محدوده‌ی زمان معین شده بزنید.

◆ یادتان باشد در جدول واژگان فقط جمله‌ی نمونه را برای کلماتی که پس از دوبار مرور هنوز یاد نگرفته‌اید بنویسید.

۱ - هرگز قبل از این که خودتان روی هر سؤال فکر کنید به پاسخ تشریحی آن نگاه نکنید.

۲ - حتی اگر جواب سؤالی را می‌دانید، پاسخ تشریحی آن را هم بخوانید، زیرا ممکن است برخی از واژه‌های به کار رفته در سؤال و هم‌چنین کتاب مربوط به آن‌ها را ندانید که با خواندن پاسخ‌نامه به آن‌ها پی خواهید برد.

آشنایی با بخش ۲ (گرامر)

این بخش هم ۲ پلکان دارد. اولی «پلکان آموزش» و دومی «پلکان آزمون»:

◆ در «پلکان آموزش» فصل ۲، قواعد گرامری هر درس کتاب درسی را با آرایش و چینشی قابل فهم در نمونه‌ها و مثال‌های استاندارد می‌آموزید. لازم به ذکر است که در این کتاب ترتیب قرار گرفتن قواعد، دقیقاً منطبق با ترتیب آن‌ها در کتاب درسی نبوده بلکه در چینش آن‌ها ارتباط قواعد گرامری در نظر گرفته شده است؛ برای مثال می‌توان گفت زمان‌ها، شکل صحیح افعال و معلوم و مجهول که در تست‌ها ارتباط نزدیکی با هم دارند، پشت سرهم قرار داده شده‌اند. در تمام این بخش تلاش بر این بوده است که چهارچوب کنکورهای سراسری و آزاد و هم‌چنین کتاب درسی رعایت شود.

◆ «پلکان آزمون» فصل ۲ یک آزمون از کل گرامر کتاب سوم (شامل تست‌های طرحی و کنکورهای سراسری) دارد.

۱ - جدول واژگان Vocabulary Table

پیش از آنکه وارد جدول واژه‌ها شوید هشدار می‌دهیم که مبدا معنی فارسی هر واژه را در مقابل آن بنویسید. برای آنکه یادتان بیاید که با این جدول چه باید کرد، یکبار دیگر نگاهی به پله‌های «راهنمای مطالعه‌ی بخش واژگان» بیندازید.

Word	No.	Example Sentence
allow	11	
almost	5	
among	23	
arrival	8	
assignment	22	
at all	15	
average	2-14	
behave / behavior	3	
bright	29	
case	14	
certain	7	
choose / choice	27	
colorful	22	
continue	24	
cross	36	
daily	6	
daughter	22	
decide / decision	17	
departure	8	
depressed	26	

Word	No.	Example Sentence
during	23	
eagle	9	
earlier	21	
editor	25	
effect	1	
end	6	
expect	12	
experiment	7-33	
eyesight	10	
fix	35	
front	28	
future	7	
geometry	20	
glad	6	
harm / harmful	10-29	
health / healthy	29	
how often	20	
improve / improvement	14	
influence	11	
interested in	15	
invite / invitation	13	
jaguar	32	
mark	21	
member	6	
observe / observation	23	
paint	34	
period	23	
power / powerful	19	
present	4	
pressure	31	
probably	34	
program	15-27	
recent /recently	26-30	

Word	No.	Example Sentence
relax / relaxed	31	
remember	17	
report	23-30	
research / researcher	30-3	
seaside	13	
set	5	
several	14-23	
show	1	
simple / simply	24	
single	33	
skill	18	
sparrow	9	
spend	2	
struggle	6	
successful / successfully	23	
suggest	21	
sweet	26	
swim / swimming / swimmer	19	
theology	16	
type	27	
viewer	27	
watery	12	
weak	12	
wide	27	
without	31	
wonder / wonderful	18-35	
worried	28	

2. «Fill in the blanks»

Fill in the blanks with the given words. There is an extra word in each part.

- a.**
present - effect
average - behave
fix
- 1 - The research showed the of TV on people's lives.
 2 - An person spends three and a half hours a day watching TV.
 3 - The researchers wanted to see how people would if they didn't watch TV.
 4 - I am going to buy a for my mother's birthday.
- b.**
certain - type
arrival - almost
struggle
- 5 - There is a TV set in every house.
 6 - Those parents were glad to end the daily..... among the family members
 7 - At the end of the experiment people said in future they would see only programs .
 8 - The table shows the departure and time of the train..
- c.**
influenced - harmful
interested - except
eagle
- 9 - A(n) flies higher than an sparrow
 10 - TV can be to children's eyesight.
 11 - I don't allow my life to be by television.
 12 - I feel so weak because I have not eaten anything some watery soup.
- d.**
invitation - cases
theology - at all
seaside
- 13 - I had planned to go to the seaside before I received their
 14 - The students' average improved in several by not watching TV.
 15 - I am not interested in such programs
 16 - The study of religion is called
- e.**
geometry - wonderful
swimmers - wide
decision
- 17 - I remember that they didn't accept your
 18 - The child's skill in reading is for his age.
 19 - have powerful legs and arms.
 20 - "How often do you have?" "Twice a week."
- f.**
observations - daughter
simply - jaguars
suggest
- 21 - I you go to bed earlier if you want to get a better mark. It helps you think better.
 22 - He bought a colorful dress for her who always did her assignments with great care.
 23 - Among those who successfully did not watch TV during that period, several interesting were reported. .
 24 - Some people said that family life could not continue without TV.
- g.**
editor - wide
sweets - bright
front
- 25 - I wrote a letter to the
 26 - "I feel depressed because I have gotten a lot of weight recently." "Yes, that's because you eat so many"

27 - Some channels show different types of programs, giving the viewers a choice to choose from.

28 - He was worried about his son who was at the

29 - If your room is not enough, it can be harmful to your health.

30 - I have to write the report of our recent

31 - Dinner times are more relaxed without the of TV.

32 - are the fastest animals in the world.

h.

**pressure - set - bright
seaside - jaguars - research
single**

i.

**probably - wonder
crossing - single
climb**

33 - Just a person is enough to conduct this experiment .

34 - They will paint the house next week.

35 - I who can fix this machine.

36 - The boy who is the road is John.



a.

1 - effect : این تحقیق (**research**) اثر تلویزیون بر زندگی مردم را نشان داد.

2 - average : یک فرد معمولی سه و نیم ساعت در روز را برای تلویزیون صرف می کند

(spends)

3 - behave : محققین (**researchers**) می خواستند ببینند که اگر مردم تلویزیون تماشا

نکنند، چه طور رفتار می کنند.

4 - present : من قصد دارم تا برای تولد مادرم یک هدیه بخرم.

b.

5 - almost : یک دستگاه (**set**) تلویزیون تقریباً در هر خانه ای وجود دارد.

6 - struggle : خانواده ها از پایان دادن (**to end**) به درگیری های روزانه (**daily**) میان

اعضای (**among**) خانواده خوشحال (**glad**) بودند.

7 - certain : در انتهای آزمایش، مردم گفتند که در آینده (**in future**) تنها برنامه های

(**programs**) خاصی را تماشا خواهند کرد.

8 - arrival : جدول (**table**)، زمان ورود و خروج [عزیمت] (**departure**) قطارها را

نشان می دهد.

c.

9 - eagle : یک عقاب نسبت به یک گنجشک (**sparrow**) در ارتفاع بالاتری پرواز می کند.

10 - harmful : تلویزیون می تواند برای قدرت دید [بینایی] (**eyesight**) بچه ها مضر

باشد.

11 - influenced : من اجازه نمی دهم (**don't allow**) که زندگی ام تحت تأثیر تلویزیون

قرار گیرد.

12 - except : من احساس ضعف زیادی می کنم (**feel so weak**) چون چیزی به جز

مقداری سوپ آبکی [رقیق] (**watery**) نخورده ام.

۱ = الف: کلمه «research» به عنوان فعل به معنی «تحقیق کردن» است. هم چنین کلمه ی «researcher» به معنی «محقق» است.

ب: حرف اضافه ی کلمه ی «effect»، «on» است. هم چنین فعل این کلمه «affect» به معنی «اثر گذاشتن» است.

۲ = کلمه ی «average» به عنوان اسم به معنی «معدل» است.

۳ = کلمه ی «behavior» اسم و به معنی «رفتار» است.

۵ = کلمه ی «set» به عنوان فعل به معنی «غروب کردن»، «تنظیم کردن» و «مرتب چیدن» است.

۶ = کلمه ی «struggle» به معنی «مبارزه و تلاش» نیز هست. هم چنین این کلمه به عنوان فعل به معنی «دعوا کردن» و «مبارزه کردن» نیز هست.

۷ = کلمه ی «certain» به معنی «مطمئن و قطعی» نیز هست.

۱۰ = harmful ≠ useful, harmless

۱۱ = «influence» به عنوان اسم به معنی «نفوذ و اثر» است.

d.

13 - invitation : من قبل از آن که دعوت نامه‌ی آنها را دریافت کنم (**received**).

برنامه‌ریزی کرده بودم (**had planned**) که به کنار دریا (**seaside**) بروم.

۱۴ = پیشرفت: improvement(n)

14 - cases : با تماشا نکردن تلویزیون معدل دانش‌آموزان در چندین (**several**) مورد

پیشرفت کرد (**improved**).

15 - at all : من اصلاً به چنین برنامه‌هایی علاقه‌مند (**interested**) نیستم.

۱۶ = کلمه‌ی «religious» صفت و به معنی «مذهبی» است.

16 - theology : مطالعه [درباره‌ی] مذهب (**religion**) الهیات نامیده می‌شود.

e.

۱۷ = تصمیم گرفتن: decide(v)

17 - decision : من به یاد دارم (**remember**) که آنها تصمیم شما را قبول نکردند

(**didn't accept**).

18 - wonderful : مهارت (**skill**) این بچه در خواندن، برای سن او حیرت‌آور است.

۱۹ = الف: شنا کردن: swim

19 - swimmers : شناگران پاها و بازوهای قوی (**powerful**) دارند.

ب: قدرت - توان: power
Powerful = strong

20 - geometry : «چند وقت یک بار (**how often**) هندسه دارید؟» «دو بار (**twice**) در

هفته.»

f.

۲۱ = کلمه‌ی «suggest» هم چنین به معنی «مطلبی» را به طور غیرمستقیم رساندن نیز به کار می‌رود.

21 - suggest : من پیشنهاد می‌کنم که اگر می‌خواهی نمره‌ی (**mark**) بهتری بگیری، زودتر

(**earlier**) به رخت‌خواب بروی، این کار کمک می‌کند که بهتر فکر کنی.

۲۲ = assignment=homework

22 - daughter : او یک لباس رنگارنگ (**colorful**) برای دخترش — که همیشه تکالیفش

(**assignments**) را با دقت (**care**) زیاد (**great**) انجام می‌داد — خرید.

۲۳ = مشاهده کردن - رعایت کردن: observe
کلمه‌ی «among» «در میان چند چیز» را نشان می‌دهد، اما کلمه‌ی «between» «بین دو چیز» را نشان می‌دهد.

23 - observations : در میان (**among**) آنهایی که با موفقیت (**successfully**) در

طی (**during**) آن دوره‌ی زمانی (**period**) تلویزیون را تماشا نکردند، چندین (**several**)

مشاهده‌ی جالب (**interesting**) گزارش شد (**were reported**).

24 - simply : بعضی از مردم گفتند که زندگی خانوادگی به راحتی نمی‌توانست بدون

تلویزیون ادامه یابد (**continue**).

g.

۲۵ = ویرایش کردن: edit
کلمه‌ی «editor» به معنی «ویراستار» نیز هست.

25 - editor : من به سردبیر یک نامه نوشتم.

26 - sweets : «من چون اخیراً (**recently**) احساس افسردگی (**depressed**) می‌کنم،

اضافه وزن زیادی پیدا کرده‌ام (**get a lot of weight**).»

«بله این به این خاطر است که شما شیرینی زیادی می‌خورید.»

۲۷ = الف: وسیع - پهن: wide
ب: انتخاب کردن: choose (v)
ج: type = kind

27 - wide : بعضی از کانال‌ها (**channels**) انواع (**types**) گوناگون از برنامه‌ها را نشان

می‌دهند [و] به بینندگان (**viewers**) [حق] انتخاب (**choice**) گسترده‌ای می‌دهند.

28 - front : او نگران (**worried**) پسرش بود که در جبهه به سر می‌برد.

h.

۲۹ = سالم: healthy (adj)

29 - bright : اگر اتاق شما به اندازه‌ی کافی (**enough**) روشن نیست، می‌تواند برای

سلامتی (**health**) شما مضر (**harmful**) باشد.

30 - research : من باید گزارش (**report**) تحقیق اخیرمان (**recent**) را بنویسیم.

۳۱ = استراحت کردن: relax= rest
relaxed ≠ worried

31 - pressure : اوقات شام بدون فشار تلویزیون، آسوده‌تر [آرام‌تر] (**more relaxed**)

هستند.

32 - jaguars : یوزپلنگ‌ها سریع‌ترین حیوانات دنیا هستند.

۳۳ = کلمه‌ی «conduct» به معنی «هدایت کردن» است و معمولاً با کلمه‌ی «آزمایش» می‌آید که در معنی «انجام دادن آزمایش» به کار می‌رود.

۳۵ = حیرت آور: wonderful
«wonder» به عنوان اسم به معنی «شگفتی و حیرت» است.

33 - single : فقط (just) یک تک نفر برای انجام دادن (conduct) این آزمایش کافی است.

34 - probably : آن‌ها احتمالاً این خانه را هفته‌ی بعد نقاشی می‌کنند (paint).

35 - wonder : من در فکرم [در حیرتم] که چه کسی می‌تواند این ماشین را تعمیر کند (fix).

36 - cross : پسری که دارد از خیابان رد می‌شود جان است.

۳ - تست‌های آموزشی Time - Free Tests

تذکر: کلمه modified در کنار تست‌های کنکورهای سراسری - آزاد و آزمایشی به این معنا است که گزینه‌های آن برای هماهنگ ساختن با این درس تغییر یافته است.

1 - I don't like wet weather. It makes me feel

- 1) joyful 2) relaxed 3) depressed 4) strong

2 - Mary showed such great at driving that everyone admired her.

- 1) practice 2) skill 3) sport 4) type

3 - No is needed; we all agree to what you have said.

- 1) struggle 2) strength 3) skill 4) stranger

4 - What influenced you most in your of this job?

- 1) type 2) cause 3) choice 4) case

5 - My teacher said he would do anything in his to help me.

- 1) program 2) power 3) view 4) purpose (modified) (سراسری - تجربی - ۷۸)

6 - We watched the flying in the sky with its wings wide open.

- 1) hen 2) insect 3) eagle 4) bee

7 - I don't think eating food cooked in open fire can be to our health.

- 1) interesting 2) effective 3) harmful 4) bothering (modified) (سراسری - انسانی - ۷۸)

8 - The society in which we live has certainly a great on us.

- 1) role 2) suggestion 3) effect 4) expectation

9 - I'm not going to give you my opinion because I don't want to your way of life. (سراسری - تجربی - ۷۸)

- 1) educate 2) influence 3) prepare 4) struggle

10 - We have fish in our diet twice a week on

- 1) average 2) duty 3) answer 4) action

11 - You have to listen to different cassettes if you want to your listening comprehension.

- 1) interest 2) observe (سراسری - ریاضی - ۷۹)

- 3) improve 4) prepare (modified)

12 - "I think his return is almost certain." "You are right. He will come back next week."

- 1) probably 2) wonderfully 3) recently 4) carefully

پاسخ تست‌های پلکان آموزش درس ۱

۱ - ۳ «افسرده»

معنی جمله: من آب و هوای (weather) مرطوب [شرجی] (wet) را دوست ندارم.

گزینه‌ی ۱: لذت‌بخش

گزینه‌ی ۲: آسوده - راحت

گزینه‌ی ۴: قوی

گزینه‌ی ۱: برنامه

گزینه‌ی ۳: دید - دیدگاه

گزینه‌ی ۴: مقصود - هدف

۶ - ۳ «عقاب»

معنی جمله: ما عقاب را در هنگام پرواز در آسمان با بال‌هایی (wings) که کاملاً (به‌طور وسیعی) گسترده (باز) بودند تماشا کردیم.

گزینه‌ی ۱: مرغ

گزینه‌ی ۲: حشره

گزینه‌ی ۴: زنبور

۲ - ۲ «مهارت»

معنی جمله: مری آن‌چنان مهارت زیادی در رانندگی نشان داد که همه او را تحسین کردند.

گزینه‌ی ۱: تمرین

گزینه‌ی ۳: ورزش

گزینه‌ی ۴: گونه - نوع

۷ - ۳ «مضر»

معنی جمله: من فکر نمی‌کنم خوردن غذاهایی که روی آتش باز پخته شده باشند بتواند برای سلامتی ما مضر باشند.

گزینه‌ی ۱: جالب

گزینه‌ی ۲: مؤثر

گزینه‌ی ۴: آزاردهنده

۳ - ۱ «نزاع - دعوا - کشمکش»

معنی جمله: هیچ نزاعی لازم نیست. ما همه با آن‌چه که گفته‌ای موافقیم (agree).

گزینه‌ی ۲: قدرت (این کلمه اسم کلمه‌ی «strong» است.)

گزینه‌ی ۳: مهارت

گزینه‌ی ۴: غریبه

۸ - ۳ «اثر»

معنی جمله: جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم قطعاً تأثیر زیادی روی ما دارد [می‌گذارد].

گزینه‌ی ۱: نقش

گزینه‌ی ۲: پیشنهاد

گزینه‌ی ۴: انتظار (این کلمه اسم کلمه‌ی «expect» است.)

۴ - ۳ «انتخاب - گزینه»

معنی جمله: چه چیزی بر روی انتخاب شما برای این شغل تأثیر گذاشت؟

گزینه‌ی ۱: گونه - نوع

گزینه‌ی ۲: علت

گزینه‌ی ۴: مورد - حالت

۹ - ۲ «تحت تأثیر و نفوذ قرار دادن»

معنی جمله: من چون نمی‌خواهم روی شیوه‌ی (way) زندگی شما تأثیر بگذارم قصد ندارم تا عقیده‌ام [نظرم] (my opinion) را به شما بگویم.

گزینه‌ی ۱: آموزش دادن

گزینه‌ی ۳: آماده کردن

گزینه‌ی ۴: نزاع کردن - مبارزه و تلاش کردن

۵ - ۲ «قدرت - توان»

معنی جمله: معلم من گفت که هرچه در توانش باشد برای کمک به من انجام می‌دهد.

- ۱۰ - ۱) اصطلاح «on average» یعنی «به‌طور معمول» «به‌طور متوسط»
 معنی جمله: ما به‌طور معمول دو بار در هفته در رژیم غذایی مان (our diet) ماهی داریم.
 گزینه‌ی ۲: وظیفه
 گزینه‌ی ۳: جواب
 گزینه‌ی ۴: عمل - اقدام
- ۱۱ - ۳) «بهبود بخشیدن»
 معنی جمله: اگر می‌خواهی درک شینداری‌ات را بهتر کنی، باید به نوارهای مختلف گوش بدهی.
 گزینه‌ی ۱: علاقه‌مند کردن
 گزینه‌ی ۲: مشاهده کردن
 گزینه‌ی ۴: آماده کردن
- ۱۲ - ۱) «احتمالاً»
 معنی جمله: «من فکر می‌کنم که بازگشت (return) او تقریباً (almost) قطعی (certain) است.»
 «بله، درست می‌گویند. او احتمالاً هفته‌ی بعد برخواهد گشت.»
 گزینه‌ی ۲: به‌طور حیرت‌آور
 گزینه‌ی ۳: اخیراً
 گزینه‌ی ۴: به‌طور با دقت
- ۱۳ - ۳) «به‌طور تعجب‌آور»
 معنی جمله: من همیشه قبل از امتحان به‌طور تعجب‌آوری آسوده خاطر هستم و هرگز هیچ استرسی ندارم.
 گزینه‌ی ۱: گیج
 گزینه‌ی ۲: شوکه
 گزینه‌ی ۴: ناامید
- ۱۴ - ۳) «قدرت دید»
 معنی جمله: به هنگام مطالعه کتاب را خیلی نزدیک نگه ندار؛ ممکن است بینایی‌تان صدمه بزند (hurt).
 گزینه‌ی ۱: ذهن
 گزینه‌ی ۲: حافظه
 گزینه‌ی ۴: مغز
- ۱۵ - ۴) «فشار»
 معنی جمله: دزد (robber) تحت فشار نیروی (force) پلیس از ساختمان خارج شد.
 گزینه‌ی ۱: تجربه
- گزینه‌ی ۲: تحقیق
 گزینه‌ی ۳: آزمایش
- ۱۶ - ۱) «مشاهده»
 معنی جمله: پلیس خانه را به مدت یک هفته تحت مشاهده [نظر] قرار داد.
 گزینه‌ی ۲: شرط
 گزینه‌ی ۳: تصحیح
 گزینه‌ی ۴: دعوت
- ۱۷ - ۲) «نوع»
 معنی جمله: من دعوت او را خواهم پذیرفت، اما مطمئنم این مهمانی از نوعی که من از آن لذت می‌برم نخواهد بود.
 گزینه‌ی ۱: حالت - مورد
 گزینه‌ی ۳: راه - شیوه
 گزینه‌ی ۴: سیستم (نظام)
- ۱۸ - ۴) «تحقیق کردن»
 معنی جمله: پلیس درباره‌ی علت آن حادثه (event) در حال تحقیق کردن است.
 گزینه‌ی ۱: از خود پرسیدن - در حیرت بودن (حرف اضافه این فعل about و at است، در حالی که در این‌جا حرف اضافه into به‌کار رفته است).
 گزینه‌ی ۲: توضیح دادن (این فعل به‌حرف اضافه نیازی ندارد).
 گزینه‌ی ۳: توصیف کردن
- ۱۹ - ۲) «اجازه دادن»
 معنی جمله: من هرگز اجازه نمی‌دهم که نگرانی‌هایم (my worries) روی کارم اصلاً (at all) تأثیر بگذارد.
 گزینه‌ی ۱: مقرر کردن - منصوب کردن
 گزینه‌ی ۳: تعیین تکلیف کردن (این کلمه ریشه‌ی کلمه‌ی «assignment» به معنی «تکلیف» است).
 گزینه‌ی ۴: در حیرت بودن - از خود پرسیدن
- ۲۰ - ۱) «آزمایش کردن»
 معنی جمله: پیتز دارد آشپزی یاد می‌گیرد، بنابراین روی خانواده‌اش آزمایش [امتحان] می‌کند.
 گزینه‌ی ۲: مثال زدن
 گزینه‌ی ۳: تجربه کردن
 گزینه‌ی ۴: ورزش کردن

درس ۱

پلکان آموزش

۱- زمانها

مبحث زمانها هم در درس اول کتاب سوم و هم برای پاسخ گویی به تست های معلوم و مجهول مورد نیاز هستند. از این رو در این جا زمان های لازم برای این مباحث را به اختصار بیان می کنیم. باید بدانید که مبحث زمانها بسیار مفصل تر از آن چیزی است که در این جا گفته شده؛ ما تنها به قدر کفایت کنکور عمومی آنها را بررسی می کنیم.

۱-۱- زمان حال ساده

برای بیان حقایق و یا کارهای تکراری در زمان حال به کار می رود:

۱ ﴿٧٩٥﴾ معنی: من معمولاً پیاده به سر کار می روم. I usually go to work on foot.

۲ ﴿٧٩٥﴾ معنی: ماه به دور زمین می گردد. The moon orbits round the earth.

۱-۲- زمان حال استمراری

برای بیان کاری که در لحظه ی صحبت در حال انجام است:

۱ ﴿٧٩٥﴾ معنی: من دارم روی پروژه ام کار می کنم. I am working on my project.

۱-۳- زمان حال کامل

فعل اصلی have / has + p.p

الف: این زمان برای بیان کاری که در گذشته انجام شده و اثر آن در زمان حال مورد تأکید است به کار می رود:

۱ ﴿٧٩٥﴾ معنی: او دندان هایش را مسواک زده است. He has brushed his teeth.

ب: این زمان برای بیان کاری که در گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد نیز به کار می رود:

۱ ﴿٧٩٥﴾ معنی: او ۲۰ سال است که در این منطقه زندگی کرده است. He has lived in this area for 20 years.

ج: برای بیان کاری که تازه تمام شده است از این زمان استفاده می کنیم. در این حالت دو قید

just و already استفاده می شود:

۱ ﴿٧٩٥﴾ معنی: آقای اسمیت تازه خانه را ترک کرده است. Mr. smith has just left here.

مورد استفاده ی ب حال کامل را معمولاً به صورت حال کامل استمراری بیان می کنیم:
have / has + been + فعل + ing
He has been living in this area for 20 years.

۱ ﴿٧٩٥﴾ نشانه های زمانی حال کامل عبارتند از:

۱ - since به معنی «از زمانی که»

۲ - for : که مدت زمان گذشته تا حال را نشان می دهد.

۳ - so far که به معنی «تاکنون» است
 ۴ - قید زمان «for the past» یا «for the last»

۸

I have not seen her for the past 2 years.
 معنی: من دو سال گذشته او را ندیده‌ام.

۵ - قید زمان yet معمولاً با حال کامل منفی می‌آید.

۹

I have not finished my job yet.
 معنی: من هنوز کارم را تمام نکرده‌ام.

۱۰ در جمله‌ای که علت و معلول را بیان می‌کند، در صورتی که معلول زمان حال باشد، علت حال کامل و اگر معلول گذشته باشد، علت ماضی بعید است:

۱۱

I am tired because I have worked hard.
 I was tired because I had worked hard.

۱۲ هرگاه دو عمل به صورت هم‌زمان در گذشته انجام شوند و یکی دوره‌ی طولانی‌تری داشته باشد (زودتر شروع شده باشد)، برای عمل طولانی‌تر از گذشته‌ی استمراری و برای عمل کوتاه‌تر از گذشته‌ی ساده استفاده می‌کنیم:

۱۵

I was cleaning the house when they arrived.
 معنی: من داشتم خانه را تمیز می‌کردم که آنها رسیدند.

مطالعه‌ی آزاد

هرگاه در جمله عبارت‌هایی مانند «I'm sure»، «I think»، «I hope» و مانند این‌ها که بیان‌کننده‌ی نظر شخصی یک فرد است استفاده شود به جای **be going to** از **will** استفاده می‌کنیم:
 I think she will travel by train.

د: برای بیان کاری که در گذشته‌ی نامعین انجام شده باشد از این زمان استفاده می‌کنیم. قید زمان before در این حالت استفاده می‌شود:

I have read this book before.

معنی: من این کتاب را قبلاً خوانده‌ام.

۱ - ۴ - زمان ماضی بعید

فعل اصلی had + p.p

هر کاری در گذشته قبل از یک کار دیگر یا قبل از یک نقطه‌ی زمانی خاص در گذشته انجام شده باشد، به صورت ماضی بعید بیان می‌گردد:

I had finished my work before I went out.

معنی: من قبل از این‌که بیرون بروم، کارم را تمام کرده بودم.

By 8 o'clock last night I had prepared every thing.

معنی: تا ساعت ۸ دیشب همه‌چیز را آماده کرده بودم.
 (به این معنی که تا قبل از ساعت ۸ همه‌چیز آماده شده بود.)

۱ - ۵ - گذشته‌ی ساده و گذشته‌ی استمراری

الف: کاری که در زمان معین در گذشته انجام شده و تمام شده است با گذشته‌ی ساده بیان می‌گردد:

I left the office at 8 o'clock.

معنی: ساعت ۸ اداره را ترک کردم.

ب: هرگاه عملی در یک نقطه‌ی زمانی خاص در گذشته در حال انجام باشد از گذشته‌ی استمراری استفاده می‌کنیم:

I was watching TV at 8 o'clock.

معنی: ساعت ۸ دیشب داشتم تلویزیون تماشا می‌کردم.

۱ - ۶ - آینده‌ی نزدیک:

be going to

الف: هرگاه بخواهیم نشان دهیم که کاری در آینده‌ی نزدیک با برنامه‌ریزی و قصد قبلی انجام خواهد شد از این زمان استفاده می‌کنیم.

I always drive to work, but today I am going to take a bus.

معنی: من همیشه با ماشین خودم سرکار می‌روم، ولی امروز قصد دارم با اتوبوس بروم.

ب: هرگاه شواهد نشان دهد که کاری قطعاً صورت خواهد گرفت، از این زمان استفاده می‌کنیم:

The sky is full of dark clouds. It is going to rain.

معنی: آسمان پر از ابرهای تیره است؛ می‌خواهد باران بیاید.

۱۳ هرگاه در جمله فعل نقل قول به صورت گذشته داشته باشیم، این زمان را به صورت آینده در گذشته بیان می‌کنیم:

She said that she was going to quit her job.

معنی: او گفت که قصد داشت کارش را ترک کند.

۲ - تست‌های آموزشی Time - Free Tests

1 - He is tired because he on the farm all morning.

- 1) had worked 2) has worked 3) works 4) would work

2 - I want to go for a walk, but I my work yet.

- 1) isn't finished 2) haven't finished 3) don't finish 4) hadn't finished

3 - Listen. Somebody on the door.

- 1) knocks 2) is knocking 3) was knocking 4) has been knocking

4 - Look. It's ten o'clock. We the train. We must wait for the next one.

- 1) just miss 2) missed 3) had just missed 4) have just missed

5 - They..... the car when the phone rang.

- 1) repaired 2) repairing 3) have repaired 4) were repairing

6 - He the class so far. I don't think he can pass the exam.

- 1) hadn't attended 2) didn't attend 3) hasn't attended 4) doesn't attend

7 - "When does Mehdi arrive tomorrow?" "He in the afternoon".

- 1) had arrived 2) arrive 3) is going to arrive 4) was arriving

8 - "Do you want to read this book?" "No, I it before."

- 1) read 2) have read 3) was reading 4) had read

9 - When I telephoned, he there for two weeks.

- 1) has been 2) had been 3) is 4) was

10 - The man can't see where he is going. He into the hole.

- 1) falls 2) is falling 3) is going to fall 4) will be falling

پاسخ تست‌های پلکان آموزش درس ۱

- ۱- ۲ چون معلول حال ساده است، علت را با حال کامل بیان می‌کنیم.
معنی جمله: او خسته است چون تمام روز را در مزرعه کار کرده.
- ۲- ۲ معنی جمله: من می‌خواهم پیاده‌روی کنم اما هنوز کارم را تمام نکرده‌ام.
قید زمان yet و معنی جمله زمان حال کامل را نشان می‌دهند.
- ۳- ۲ معنی جمله: گوش کن یکی دارد در می‌زند.
معنی جمله زمان حال استمراری را نشان می‌دهد.
- ۴- ۴ معنی جمله: نگاه کن. ساعت ۱۰ است. ما تازه [همین حالا] قطار را از دست داده‌ایم. باید منتظر قطار بعدی باشیم.
معنی جمله و کلمه just زمان حال کامل را نشان می‌دهند.
- ۵- ۴ معنی جمله: وقتی تلفن زنگ زد، آن‌ها داشتند ماشین را تعمیر می‌کردند.
در دو عمل هم زمان گذشته، عمل طولانی‌تر را به صورت گذشته‌ی استمراری بیان می‌کنیم.
- ۶- ۳ معنی جمله: او تاکنون به کلاس‌ها نیامده است. فکر نمی‌کنم بتواند امتحان را پاس کند.
so far از نشانه‌های حال کامل است.
- ۷- ۳ معنی جمله: «مهدی فردا چه زمانی می‌رسد؟» «او قرار است بعدازظهر برسد.»
برنامه‌ریزی قبلی را با be going to بیان می‌کنیم.
- ۸- ۲ معنی جمله: «آیا می‌خواهی این کتاب را بخوانی؟» «نه من آن‌را قبلاً خوانده‌ام.»
گذشته‌ی نامعین را با حال کامل بیان می‌کنیم.
- ۹- ۲ معنی جمله: وقتی من [به او] تلفن زدم، دو هفته می‌شد که در آن‌جا بود.
۲ هفته اقامت قبل از تلفن زدن من انجام شده، بنابراین با ماضی بعید بیان می‌گردد.
- ۱۰- ۳ معنی جمله: این مرد نمی‌تواند ببیند که کجا دارد می‌رود. او الان است که درون چاله بیفتد.
وقتی شواهد نشان می‌دهد که کاری به زودی حتماً انجام می‌شود، از be going to استفاده می‌کنیم.